

آئین بزرگداشت سالروز درگذشت مصدق بزرگ به دعوت هیأت امنای قلعه احمد آباد

هم میهنان! بار دیگر حماسه پرشکوه زنان و مردان ملت گرا و رهروان مصدق بزرگ به بویه تجدید پیمان با این خرد بیدار، در، تبعیدگاه و آرامگاه اجباری و ابدی او، نمایان گشت. درست در ساعت ده بامداد، انبوه مشتاقان که در میان آنان حضور جوانان و دانشجویان دختر و پسر چشمگیر بود در کنار رهبران و هموندان حزب ها و سازمان های ملت گرای پیرو مصدق بزرگ به چشم می خورد.

در ابتدا پس از قرائت قرآن مجید و پخش نوار صدای مصدق بزرگ، آقای دکتر محمود مصدق طی بیاناتی، مراتب سپاس و قدردانی خود را از حاضران اعلام نمود. سپس آقای حسین سکاکی از مبارزان نهضت ملی و مجری برنامه، از آقای مهندس حسین شاه اویسی عضوی شورای مرکزی حزب ملت ایران ایران دعوت نمود تا نخستین سخنران این آئین باشند. آقای مهندس شاه اویسی سخنان مبسوطی ایراد نمود که باره ها با استقبال پر شور حاضران روبرو گردید. ایشان در فرازهایی از سخنان خود چنین گفت:

زنان و مردان شرافتمند! در سرزمینی که مردمانش تاریخ می خوانند، خرد سالان همانند سالخوردهگان مجربند و در سرزمینی که مردمانش تاریخ نمی خوانند، سالخوردهگان همانند خرد سالان می اندیشند پس بخوانیم و از تاریخ پند گیریم تا ناچار از تکرار آن نشویم. امروز بر مزار بزرگمردی گرد آمده ایم که او را ماحصل مبارزات آزادیخواهانه نسل های گذشته می دانیم. بر او درود که از دره های تاریخ فراموش شده تاریخ سر برآورد و جامعه ی فرو خفته را به آزادی برانگیخت تا فرزندان با چشمان باز مراقب خانه کهنسال خود باشند. این آموزگار خردمند که بود؟ که ۶۹ سال را بی وقفه در پیکار با استعمار و استبداد و ارتجاع گذراند. او می گفت: "اجنبی است، شمال و جنوب فرق نمی کند". گوهر

وجودش در کوره خیزش مشروطیت گداخته و حکومتش نماد راستین مردمسالاری واقعی بود و بر کوتاه کردن دست سرآمدان فرا قانونی برای پیشبرد جامعه پافشار بود. قدرت واقعی را در تنها و تنها منبعث از ملت می دانست. و لازمه داشتن حیاتی مردمی را در داشتن پیشینه ی پاک سیاسی و ایثار و شجاعت اخلاقی می دانست، نه جنجال های تبلیغاتی. مصدق نشان داد که هیچکس مرا نخواهد که در آن سود خود نجوید.

مهندس شاه اویسی در بخش دیگری از سخنانش گفت:

سروران گرانسنگ! ملت گرانی ایران از هیچ اسطوره و نمادی توانمندتر از مصدق برخوردار نیست. این مرد قانون در مدت بیست و هفت ماه حکومت خود، هر سه روز با توطئه هایی مانند، قتل، آدم ربایی، تحریک و تنش های روانی و اغتشاش پی در پی روبرو بود، ولی هرگز از بنیاد فکری خود دور نشد و به بهانه شرایط تند اجتماع از دایره قانون تجاوز نکرد، باری چو فسانه می شوی ای بخرد افسانه نیک شو نه افسانه بد

مصدق به بریدن دست بیگانه از صنعت نفت اکتفا نکرد بلکه شیلات، تلفن، جنگل ها رانیز ملی کرد و افزون بر آنها، تغییر قانون کار، ایجاد بیمه های اجتماعی کارگران، تقلیل سهم مالکانه به سود کشاورزان، قانون مالیات بر درآمد، افزایش بودجه آموزشی، تعدیل اجاره بها، احداث راه ها، اصلاح نهاد دادگستری، اصلاح قانون مطبوعات و پیش بینی قانون انتخابات که در آن به زنان حق رأی می

داد ، همه و همه در بیست و هفت ماه حکومت در راستای سود و صلاح ملت و بهزیستی همگانی بود .

سیاست خارجی اش گرد محوری قرار داشت که از آن زیر نام موازنه منفی سخن گفته می شود . مهندس شاه اویسی در بخش دیگری از سخنان خود گفت : مصدق به تاریخ ، جهان و انسانی دیگر را نمایاند و ما در خود ، با خویشنتی دیگر آشنا شدیم و دریافتیم ، در آب گل آلود سیاست نمی توان ماهی “ توسعه ” صید کرد . لازمه توسعه ، آزادی است و امنیت ، در پی کودتای بیست و هشت مرداد سه قدرت جهان آن روز بهمراه استبداد طلبان داخلی ، در لحظه ، لحظه این توطئه ، نقشی یگانه داشتند . این میهن پرست ایرانی در بیداد گاه بدستور بیگانه به سه سال زندان محکوم گردید ، پس از آن تا پایان عمر پرافتخارش در تبعید بسر برد .

آنگاه مهندس شاه اویسی چنین ادامه داد :

سروران گرانقدر ، ایرانیان! سرگذشت میهنمان ایران شوربخت ، داستان دشمنی ها و توطئه های بی امان و پی گیر است با این همه برغم سرخوردگی های بویه دموکراسی را همچنان در سر داریم و در این راه نباید در انتظار کمک های اجنبی و بیگانه باشیم و نه نیروی

ملی را ناچیز به پنداریم ، ما دست هایمان چندان تهی نیست ، بدور از هرگونه خشونت با همبستگی همگانی و غیرت ملی و مدیریتی بر اساس خرد جمعی و داشتن استراتژی پیش بینی شده ی روشن ، باید وجوه اشتراکمان را شناسائی و بر آنها با مدارای فرهنگی و سیاسی پای فشرد و از برخورد آراء بهره گیریم . باید به ایران اندیشید که زمانه سخت حساس است . گذار از این دوران پر خطر بار دیگر همبستگی همگانی را به گونه ی ضرورتی تاریخی جلوی روی ایرانیان قرار داده است . پاینده ایران .

سخنان مهندس شاه اویسی با احساسات پرشور حاضران پایان گرفت . سپس آقای مهندس محمود زندیان از مبارزان ملت گرا چکامه ای از شاعر پر آوازه میهن شفیعی کدکنی با احساس تمام خواندند که مورد توجه همگان قرار گرفت .

آقای سکاکی از آقای علیرضا رجایی دعوت نمود تا سخنان خود را آغاز نماید و ایشان طی بخش هایی چنین گفتند :

مصدق يك پروژه اجتماعي و اخلاقي است به جهت اجتماعي هدف اساسي او همان اهداف مشروطیت بود . که تثبیت حق قانونگزاری مردم از طریق تشکیل پارلمان و انتخابات آزاد و دوم تشکیل دولت مشروطه و مقید و غیر مطلقه ، دو نیرو با این پروژه مقابله کردند :

۱- دربار و سلطنت . ۲- دستگاه ایدئولوژیک سنتی روحانیت . که علیرغم حمایت مقطعی از وجه ضد استعماری ، با او مقابله کردند . تا آنجا که به بحث عقب راندن دربار و حامیان احتمالی آن مربوط می شد ، مصدق موفق شد ولی او دریافت تا زمانی که شالوده اقتصاد ملی در اختیار ملت قرار نگیرد آن توفیق ها هم موقتی است . مصدق در حوزه اخلاقی نیز مثنی ویژه خود را داشت و بر آزادی ، مقابله با فساد و تن ندادن به اجبار و زور ، پافشار بود .

این آئین پرشکوه میهنی با سخنان شاعر ملی آقای ادیب برومند و خواندن سرود

ای ایران ای مرز پر گهر

توسط حاضران بویژه دانشجویان و جوانان در ساعت ۱۳ خاتمه یافت .

شخصیت های که در این مراسم حضور داشتند می توان از : آقایان مهندس عزت الله سبحانی ، خسرو سیف ، دکتر ابراهیم یزدی ، دکتر محمد ملکی ، دکتر بهروز برومند ، مهندس صباغیان ، حسین شاه حسینی ، سرهنگ بازنشسته توکلی نیشابوری و شماری از شخصیت های سیاسی و فرهنگی نام برد .

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران - ۱۴ اسفند ۱۳۸۲ خورشیدی